



مرتب: سخی صمیم

افغانستان غرقه در خون و اعلامیه جهانی حقوق بشر:

ماده اول

تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابر اند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه ای برادرانه رفتار کنند .

ماده دوم

هرکس می تواند بی هیچگونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه ی آزادی های ذکر شده در این اعلامیه بهره مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضائی یا بین المللی کشوریا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد .

ماده سوم

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد .

کدامین دین و مذهب و آیین انسانی را سراغ دارید که با این وضع دوزخی و قتل عام زن و اطفال سر سازش داشته باشد :

یکی از بهترین پدیده های تمدن حقوقی و اخلاقی جامعه بشری را میتوان اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست، این اعلامیه، انسانهای روی زمین را ازهر نژاد و جنس، دین و مذهب، دارائی و جایگاه بر بنیاد کرامت انسانی برسمیت شناخته و به آزادی و حقوق اساسی آنها منحصیث انسان با کرامت حرمت می گذارد.

ولی در تقابل و تضاد به این واقعیت پدیده های دیگری وجود دارد که نه به کرامت انسان و نه به آزادی و حق حیات انسان ارزشی قایل می باشند . وحشت، دهشت، قتل و کشتارعام شامل مرد و زن، صغیر و کبیر تخریب ملکیت های عامه، چور و غارت اموال مردم و بیت المال فقط بمنظور برآورده ساختن اهداف سو که نتایج اخیر آن بر بنیاد «منافع» استوار است درمیهن بلا کشیده ما دریای خون جاری ساخته اند .

قانون، حقوق و نظام اجتماعی ازهم پاشیده جنایات بی سابقه برسایه تفنگ، راکت، انفجار و انتحاراز دید مکتب جنایت کاران مشروعیت جنائی یافته و بر اجتماع مسلط گشته. زن، دختر و بیوه های مردم برحکم اجبار نکاح میشوند، خانه ها و دارای مردم تخریب و به آتش می سوزند. اگر این حالات غیر انسانی باهمه کوایف و رویکرد آن در یک جمله تلخ و زهری تعریف گردد، همین اکنون جغرافیای وطن ما بطور عملی و مشهود بربیک دوزخ و کربلای روی زمین تبدیل شده است :

پس حالت موجود و جریان مسلط فعلی را در میهن چی نام می گذارید؟ و واقعیت آن را چگونه تعریف می کنید؟ بلی این واقعیت را از دیدگاه حقوق و بنیاد آن که اضمحلال اساسی ترین حقوق انسان که با نابودی «حق حیات» و حقوق بشریکجا باشد می توانیم به اسم با مسما یعنی (قانون جنگل متکی به « زور» و (تفنگ) بنامیم .

اگر یک بار دیگر چند سطری ازین متن را با فرزانیگی تمام از دید مفهوم و معنی طور کوتاه باهم بیچیم می توانیم یک اصل بدون انکار را در برابر خود قرار دهیم که (عدم حاکمیت قانون و سلب حقوق و آزادی های مردم است) که عدم وجود آن در ریشه ایجاد گر این بلا های زمینی و انسانی برسرما ست .

اما نباید فراموش کنیم که چرا های زیادی درارتباط به انگیزه های عدم تطبیق قانون. (در حالیکه قوانین مناسب و مطابق خواست و اراده مردم وجود دارد بوده است که بد بختانه مسئولین صلاحیت دار طور عمدی و یا پلان شده به آن ارزش نداده اند. و شرح و پاسخ این موضوع درین مختصر نمی کنجد.) و نتیجه این بی اعتنائی ها آن شد که چنین وضع فلاکتبار برجامعه و مردم مسلط گردد .

ببینید؛ پرسشهای جدی تری هم درین ماتم سرای ملت موجود است که بایست پاسخی درآن داده شود: من، خودت و شاید هم اکثریت قاطع هم میهنان ماعلل و منشأ، پیدایش و انگیزه های حوادث خلق شده در سرزمین مارا می دانند که از کجا آب میخورد و از کجا سرچشمه می گیرد .

و اگر این واقعیت جانگداز را هم با وجدان پاک و صداقت تام برجسته سازیم میدانیم که پاکستان شرارت پیشه که حامی تروریزم و عامل کشتار و قتل عام سرزمین ماست در رأس این جنایات ضد بشری و جنایات واقع شده جنگی قرار دارد .

و مزید برآن منطق و خرد با ما همراه است که هیچ بیگانه ی به تنهای خویش در مملکت ایکه دارای حاکمیت ملی باشد بدون همکاری و همیاری عمال داخلی و شرکای تحت فرمان خود کوچکترین ضرری به افراد جامعه و میهن وارد کرده نمی توانند .

فکر می کنم به استدلالی ضرورت نیست که جریان و حوادث فعلی در افغانستان درد مندانه محصول همین تفکرو منطق بدون جدل است که هر دو جناح در شراکت مباشر و با همی (دشمنان بیرونی و داخلی) عامل اساسی ایجاد وقایع و حوادث اخیر هستند .

کیفر خواست ما از مسئولین جامعه جهانی، ملل متحد و بشریت آگاه کره زمین این است که با بصیرت کامل و وجدان بیداربه داد خواهی مردم و جامعه افغان که همین حالا در آتش مظالم می سوزند مطابق محتوای عرایض بالا توجه فرایند. و تصامیم لازم اتخاذ فرمایند.